

بررسی یارانه و خط فقر*

سیفا... اسلامی

در شرایط کنونی، برخی پیشنهادها حکایت از حذف یارانه‌ها و پرداخت نقدی آن به اقشار آسیب‌پذیر دارد. باید توجه داشت که اگرچه ممکن است در مصرف انرژی، طبقات بالای درآمدی از یارانه بیشتری بهره‌مند شوند، ولی این امر بر زمینه کالاهایی نظیر نان و شیر حندق نمی‌کند. بررسی‌های به‌عمل آمده نشان می‌دهد که اگر یارانه کالاهای اساسی غذایی حذف و پول آن مستقیماً به اقشار زیر خط فقر پرداخت شود، به‌هلت گسترده‌تری و عمق فقر در جامعه، مبلغ مذکور قادر نخواهد بود افراد زیر خط فقر را به بالای آن منتقل کند. از دلایل عمده آن وجود هزینه صاف برای کالاهای نان و شیر در ارتباط با اقشار مرفه جامعه است. لذا اکثر استفاده‌کنندگان از یارانه کالاهای مذکور را طبقات پایین درآمدی تشکیل می‌دهند.

خط فقر مطلق برای یک خانوار ۵ نفره در ۱۳۷۷ برای مناطق شهری و روستایی به ترتیب ۹/۴ و ۵/۹ میلیون ریال بوده است. بنابراین، باتوجه به‌همچ نمونه و جامعه آماری کشور در ۱۳۷۷ افراد زیر خط فقر در مناطق شهری و روستایی به ترتیب ۲۴/۵ و ۲۷/۹ درصد بالغ گردیده است. لذا در ۱۳۷۷ مبلغ ۶۸۶۶ میلیارد ریال نیاز بوده تا افراد زیر خط فقر به بالای آن منتقل شوند. در صورتی که کل یارانه کالاهای اساسی غذایی برای این سال در حدود ۵۸۰۶ میلیارد ریال بوده است. این درحالی است که آثار حذف یارانه کالاهای اساسی بر افزایش قیمت آن‌ها مد نظر قرار نگرفته است و در صورت مد نظر قرار دادن این عامل، شکاف مذکور عمیق‌تر نیز خواهد شد.

مقدمه

برخی از اهداف اقتصادی و اجتماعی برقراری یارانه، حمایت از اقشار محروم، کاهش فاصله طبقاتی و افزایش رفاه عمومی است. پرداخت یارانه صرف نظر از نوع نظام حاکم بر جوامع، در اکثریت قریب به اتفاق کشورهای مختلف توسعه یافته و در حال توسعه صورت می‌پذیرد.

* این مقاله برگرفته از طرح تحقیقاتی «بررسی چگونگی بهبود توزیع یارانه‌های پرداختی» در کشور در راستای حمایت از اقشار آسیب‌پذیره است که در معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی انجام شده است. مسئول مطالعه طرح از همکاری خانم‌ها فریبا رهبر، خدیجه رفیعی و آقایان حمید اشتری، بهنام سالم و محمد امیرکمالی تشکر و قدردانی می‌نماید.

باتوجه به افزایش حضور دولت‌ها در اقتصاد، پرداخت یارانه نیز به تبع از آن به تدریج افزایش یافته و حتی دامنه آن نیز در امور مختلف گسترش یافته است. در ایران سابقه پرداخت یارانه به شیوه کنونی و در حجم زیاد به سه دهه گذشته باز می‌گردد. افزایش درآمدهای نفتی که به سبب جنگ اعراب و اسرائیل نصیب کشور ما شد، باتوجه به عدم برنامه‌ریزی صحیح در این زمینه، طبقات خاصی از جامعه توانستند از افزایش درآمدهای مذکور بهره‌مند گردند و اکثریت اقشار جامعه خصوصاً جوامع کوچک شهری و روستایی از آن محروم شدند. این امر منجر به شکاف درآمد شدید بین مناطق صنعتی و سنتی شد. حتی در مناطق صنعتی نیز شکاف میان استفاده‌کنندگان از رانت‌های مختلف شدید بود. این عوامل به علاوه افزایش هزینه‌های دولت و روحیه مصرف‌گرایی، باعثیت به عدم توان تولیدات داخلی در پاسخگویی به نیازهای جامعه، تورم را در کشور شدت بخشید. در این زمینه، دولت اقدام به پرداخت یارانه به برخی از کالاها کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی و سپس شروع جنگ، نقش دولت در بسیاری از امور از جمله توزیع نیز گسترش یافته و به تبع آن یارانه نیز از افزایش چشم‌گیری برخوردار گردید. در شرایط پس از جنگ نیز با پایان یافتن برنامه اول توسعه و در پی مشکلات مربوط به بازپرداخت بدهی‌های خارجی، تورم به نرخ بی‌سابقه $۳۵/۲$ و $۴۹/۴$ درصد در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ رسید و دولت به‌ناچار اقدام به افزایش پرداخت یارانه کرد.

بررسی موضوع

در شرایط کنونی بسیاری بر این باورند که برخی از یارانه‌های پرداختی به اقشاری غیراقتدار محروم تعلق می‌گیرد، لذا پیشنهادهایی از جمله حذف یارانه و پرداخت نقدی آن به اقشار آسیب‌پذیر را مد نظر قرار داده‌اند.

باید توجه داشت که سیاست حذف یارانه به دلیل آثار و تبعات اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی که با خود به همراه دارد، نیاز به بررسی‌های بیشتر هریک از کالاهای اساسی مشمول یارانه را ضروری می‌سازد. در واقع، قبل از حذف یارانه توجه به میزان سهم هر کالا در هزینه‌های خوراکی و هزینه‌های کل خانوارهای گروه‌های پایین هزینه‌ای و اساسی بودن آن کالا از نظر ارزش قیمتی و درآمدی و همچنین اهمیتی که کالای مورد نظر در الگوی تغذیه گروه‌های مذکور دارد، مهم است. همچنین، میزان درآمدی هم که این گروه‌های پایین

هزینه‌ای نیاز دارند تا خود را به خط فقر برسانند از اهمیت بالایی برخوردار است. برای روشن شدن میزان شکاف در کالری و پروتئین دریافتی میان دهک‌های اول و دهم و همچنین میزان کالاهایی که در تأمین کالری و پروتئین نقش مهمی را ایفا می‌کنند، جدول شماره ۱ قابل توجه است.

جدول شماره ۱: مصرف سرانه انرژی و پروتئین به تفکیک فرآورده‌های گیاهی و حیوانی در دهک‌های اول و دهم، ۱۳۷۵

عنوان	متوسط	دهک اول	دهک دهم
انرژی دریافتی سرانه (کیلوکالری)	شهری	۲۹۶۰	۳۹۶۷
	روستایی	۳۲۹۵	۶۱۶۹
پروتئین دریافتی سرانه (گرم)	شهری	۸۸	۱۲۳
	روستایی	۸۹	۱۶۳
سهم اقلام گیاهی در انرژی دریافتی (درصد)	شهری	۷۲/۸۹	۶۷/۰۵
	روستایی	۷۷/۱۹	۷۸/۵۸
سهم اقلام حیوانی در انرژی دریافتی (درصد)	شهری	۱۲/۹۹	۱۶/۸۶
	روستایی	۸/۵	۸/۶
سهم اقلام گیاهی در پروتئین دریافتی (درصد)	شهری	۷۳/۱۵	۶۲/۵۶
	روستایی	۷۹/۸۶	۷۹/۸۷
سهم اقلام حیوانی در پروتئین دریافتی (درصد)	شهری	۲۶/۶۹	۳۷/۲۷
	روستایی	۱۹/۹۹	۲۹/۹۵
سهم غلات در تأمین انرژی دریافتی (درصد)	شهری	۱۴	۱۸
	روستایی	۱۷	۳۳

مأخذ: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، طرح الگوی مصرف، مدیریت پژوهش‌های بازرگانی داخلی، ۱۳۷۷.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، گروه اول هزینه‌ای در مناطق روستایی کشور با مصرف

سرانه انرژی ۱۵۵۵ کالری و ۳۹/۵ گرم پروتئین بسیار پایین‌تر از متوسط نیاز قرار دارد. همچنین سهم اقلام گیاهی در تأمین انرژی و پروتئین مورد نیاز در گروه‌های اول هزینه‌ای در مناطق شهری و روستایی به مراتب بیشتر از متوسط جامعه و به عکس سهم اقلام حیوانی در تأمین انرژی و پروتئین مورد نیاز گروه‌های مذکور در حد نصف متوسط جامعه قرار دارد و این درحالی است که برای گروه دهم هزینه‌ای ارقام مذکور بسیار بالاتر از متوسط جامعه است و درپاره‌ای موارد نزدیک به پنج برابر گروه اول هزینه می‌رسد.

جدول شماره ۲: سهم کالاها در تأمین انرژی و پروتئین گروه‌های هزینه مناطق شهری، ۱۳۷۵
ارقام: درصد

عنوان	متوسط	اول	دوم	دهم
نان	کالری	۶۵/۵	۵۸/۵	۳۲/۸
	پروتئین	۷۱/۳	۶۳/۷	۳۶/۲
شیر	کالری	۱/۱	۱/۳	۱/۸
	پروتئین	۲/۹	۲/۶	۳/۴
روغن نباتی	کالری	۷/۲	۷/۴۲	۶/۹
	پروتئین	-	-	-
قند و شکر	کالری	۶/۸	۶/۴	۸/۸
	پروتئین	-	-	-

مأخذ: همان.

همچنین با ملاحظه جدول شماره ۲، مشخص می‌شود که عمده کالاهایی که در تأمین کالری و پروتئین مورد نیاز نقش اصلی را ایفا می‌کنند چهار قلم کالاهای اساسی است که دولت آن‌ها را از طریق یارانه برای جامعه تأمین می‌کند. در این میان، گروه اول هزینه‌ای ۷۱/۳ و ۶۵/۵ درصد از پروتئین و کالری مورد نیاز خود را از نان دریافت می‌کند. این ارقام برای گروه‌های دهم هزینه‌ای به ترتیب ۳۶/۲ و ۳۲/۸ است. لازم به ذکر است که به احتمال بسیار زیاد گروه دهم هزینه‌ای با توجه به هزینه‌های فرصت در صفت ماندن برای تهیه نان‌های سنتی،

نان مورد نیاز خود را با هزینه‌ای بسیار بالاتر از گروه‌های پایین هزینه‌ای به دست می‌آورند. در زمینه تهیه شیر نیز اگرچه میزان هزینه گروه‌های بالاتر بسیار بیشتر از گروه‌های پایین است، مع‌هذا کسب پروتئین و کالری آن‌ها تفاوت ناچیزی از گروه‌های پایین هزینه‌ای را در ۱۳۷۵ نشان می‌دهد، و این واقعیت غیر قابل انکار است که کالاهایی همانند نان و شیر باقیمت پایین و یارانه‌ای به دلیل داشتن هزینه فرصت در صف ایستادن، بیشتر نصیب گروه‌های پایین هزینه‌ای می‌شود. البته در زمینه تهیه روغن نباتی و قند و شکر به دلیل داشتن کالابریک برای همه گروه‌های هزینه‌ای نمی‌توان این ادعا را پذیرفت.

خط فقر

در این مرحله برای شناسایی افراد زیر خط فقر لازم است که خط فقر مشخص گردد. شیوه‌های زیادی برای تعیین خط فقر به کار برده شده است. یکی از شیوه‌های به کار گرفته شده توسط بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، خط فقر را یک دلار در روز برای یک فرد در کشورهای در حال توسعه تعیین کرده است.

براساس این شبیه‌سازی فقر در چین از ۲۰ درصد در سال ۱۹۸۵ به ۲/۹ درصد در سال ۲۰۰۰ کاهش می‌یابد. همچنین سطح فقر در هند از ۵۵ درصد در سال ۱۹۸۵ به ۲۵ درصد در سال ۲۰۰۰ کاهش می‌یابد، در صورتی که براساس آمارهای رسمی و دولتی در هندوستان بیش از ۸۰ درصد از جمعیت در سال ۱۹۹۶ درآمد سرانه زیر یک دلار در روز را داشته‌اند که این موضوع تناقضی آشکار در روش استفاده سازمان‌های مذکور را نشان می‌دهد.^۱

روش دیگر تعیین خط فقر، استفاده از معیارهای تغذیه است. بدین صورت که در وهله اول حداقل کالری و پروتئین مورد نیاز برای بدن انسان مشخص می‌کنند و از این طریق میزان درآمدی را به دست می‌آورند که می‌تواند این نیازها را برآورده کند.

1. Michel Chossudovsky, *Globalisation of Poverty, Impacts of IMF and World Bank Reforms*, Zed Book, London, 1997.

سپس با استفاده از اطلاعات و آمار هزینه خانوارهای کشور، درصد متوسط هزینه‌های خوراکی به کل هزینه‌ها را محاسبه می‌کنند و در نهایت کل مبلغی که یک خانوار برای ادامه زندگی به آن نیازمند است، به دست می‌آید.

سازمان تأمین اجتماعی ایالات متحد در دهه ۱۹۶۰ یک مرز فقر را که شامل حداقل هزینه غذای کافی به میزان ۳۳ درصد کل هزینه‌ها و ۶۶ درصد برای سایر هزینه‌ها بود، طراحی کرد. براین اساس، برای یک خانوار چهارنفره در سال ۱۹۹۶ خط فقر در حدود ۱۶ هزار دلار بوده است. به بیان دیگر، خط فقر برای هرنفر در روز در حدود ۱۱ دلار برآورده شده است. براین اساس، در سال مذکور ۱۳/۱ درصد از جمعیت این کشور و ۱۹/۶ درصد از جمعیت مرکزی مناطق شهری زیر خط فقر به سر می‌برده‌اند.^۱

مطالعاتی در کشور ما نیز با استفاده از این روش برای تعیین خط فقر صورت گرفته است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

در طرح شناسایی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر^۲، براساس معیار تأمین ۲۱۶۸ کالری با مراجعه به دریافت کالری در گروه‌های مختلف هزینه‌ای، دهک‌هایی که این میزان کالری را دریافت نکرده‌اند مشخص شده است. سپس با مراجعه به هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی خانوارها در دهک‌های مذکور به تفکیک شهر و روستا، خط فقر در سال ۱۳۶۸ استخراج شده است. خط فقر برای یک خانوار شهری پنج‌نفره در یک ماه ۱۰۶/۴ هزار ریال و برای یک خانوار پنج‌نفره روستایی در سال ۱۳۶۸ در حدود ۳۹/۵ هزار ریال برآورد شده است. در طرح مذکور برای تعیین خط فقر میزان پروتئین لازم برای ادامه حیات انسان مدنظر قرار نگرفته است. در صورت ملحوظ کردن این پارامتر، خط فقر ترسیم شده بسیار بالاتر از مبلغی است که در طرح مذکور آمده است.

در طرح دیگری^۳ با استفاده از حداقل میزان مصرف سرانه غذایی و به کارگیری قیمت‌های بازار، خط فقر برای مناطق شهری و روستایی استخراج شده است. خط فقر یک خانوار پنج‌نفره برای مناطق شهری و روستایی در سال ۱۳۷۵ به ترتیب ۸۴۰ هزار ریال و ۵۴۰ هزار

۱. همان.

۲. جمشید پژویان، شناسایی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۴.

۳. علی دینی ترکمانی، بررسی وضعیت فقر مطلق و آثار حذف پارانه بر آن، معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی واحد تهران، ۱۳۷۶.

ریال برآورد شده است.

خط فقر در شهر

با عنایت به کارهای انجام شده، در این مقاله، از معیارهای تأمین کالری و پروتئین برای نیازهای انسان و با استفاده از کالری و پروتئین‌های موجود در کالاهای اساسی و قیمت کالاهای مذکور و همچنین ملحوظ کردن یارانه‌های پرداختی به کالاهای اساسی برای هر خانوار، خط فقر مطلق به دست آورده شده است. بر این اساس حداقل کالری و پروتئین کالاهای مورد نیاز برای یک نفر به صورت جدول شماره ۳ خواهد بود.

جدول شماره ۳: میزان مصرف کالاهای اساسی خوراکی در روز برای یک نفر به منظور تأمین حداقل کالری و پروتئین با پایین‌ترین هزینه

واحد گرم، ریال

عنوان	ماهی	گوشت فرمز	شیر	تخم مرغ	روغن	نان	برنج	قند و شکر	حبوبات وسویا	سبزیجات	میوه	سیب زمینی
مقدار	۳۰	۲۲	۲۵۰	۵۸	۳۸	۲۰۰	۱۰۰	۸۰	۸۰	۲۴۰	۲۰۰	۹۰
هزینه	۱۷۵	۳۵۵	۳۷۰	۲۰۰	۱۷۰	۱۲۰	۴۰۰	۲۴۰	۳۰۰	۱۹۰	۳۰۰	۵۰

مأخذ: سیفا... اسلامی، «بررسی چگونگی بهبود توزیع یارانه‌های پرداختی در راستای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر»، معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۹.

بر اساس جدول شماره ۳ هزینه غذایی روزانه برای یک نفر در سال ۱۳۷۷ در حدود ۲۸۷۰ ریال خواهد بود و با فرض این‌که ارائه کالابریگ‌ها توسط دولت توانسته باشد ۱۰ درصد هزینه مذکور را کاهش دهد، در این صورت این هزینه به ۲۵۸۳ ریال کاهش خواهد یافت. از آن‌جا که سهم هزینه‌های خوراکی در گروه‌های پایین هزینه‌ای بسیار بالا است، لذا با فرض ۵۰ درصد هزینه‌های خوراکی، کل هزینه برای یک فرد در روز در سال ۱۳۷۷ حدود ۵۱۶۶ و سالانه آن حدود ۱/۸۸۵ میلیون ریال خواهد بود. با توجه به اطلاعات هزینه و درآمد خانوارهای شهری، سه گروه اول هزینه‌ای زیر این رقم قرار می‌گیرند. لذا برای رسانیدن افراد خانوارهای گروه‌های اول، دوم و سوم هزینه‌ای به خط فقر مذکور به ترتیب برای

هر فرد در حدود ۰/۰۵، ۰/۴۶ و ۰/۷۰ میلیون ریال نیاز خواهد بود و نهایتاً برای رسانیدن تمام افراد گروه‌های اول، دوم و سوم هزینه‌ای (۲۴/۵ درصد از حجم نمونه که با پذیرش تعمیم نمونه به جامعه آماری کشور در حدود ۹/۴۸ میلیون نفر از مناطق شهری کشور در سال ۱۳۷۷ است) مبلغی در حدود ۴۵۰۶ میلیارد ریال نیاز خواهد بود تا آن‌ها را به سطح خط فقر رسانید. (۲۵۶۶ میلیارد ریال برای گروه اول هزینه‌ای، ۱۷۰۷ میلیارد ریال برای گروه دوم هزینه‌ای و ۲۳۳ میلیارد ریال برای گروه سوم هزینه‌ای).

خط فقر در روستا

بافرض این‌که هزینه‌های غذایی خانوارها در مناطق روستایی برای دریافت حداقل کالری و پروتئین مورد نیاز در حدود ۷۵ درصد مناطق شهری باشد، هزینه سالانه خط فقر در سال ۱۳۷۷ برای یک فرد حدود ۰/۷۰۶ میلیون ریال بوده و با قبول ۶۰ درصد هزینه‌های خوراکی، مجموع هزینه یک فرد در سال حدود ۱/۱۸ میلیون ریال خواهد بود. در این حالت با توجه به بعد خانوار در گروه‌های هزینه‌ای در مناطق روستایی، پنج گروه اول هزینه‌ای زیر این مبلغ قرار می‌گیرند. لذا با توجه به حجم نمونه و تعمیم آن به جامعه آماری، حدود ۶/۴۸ میلیون نفر در سال ۱۳۷۷ در مناطق روستایی کشور زیر خط فقر بوده‌اند و برای رسانیدن آن‌ها به خط فقر به مبلغی در حدود ۲۳۶۰ میلیارد ریال نیاز بوده است. (برای پنج گروه مذکور به ترتیب به ۸۱۷۰، ۴۳۳، ۴۴۷، ۴۴۸ و ۲۱۴ میلیارد ریال نیاز بوده است).
نتیجتاً این‌که در سال ۱۳۷۷ حدود ۱۵/۹۶ میلیون نفر در کشور زیر خط فقر مطلق به سر برده‌اند که برای رهایی آن‌ها از این وضعیت به بودجه‌ای در حدود ۶۸۶۶ میلیارد نیاز است.

فقر نسبی

شیوه دیگری که برای مشخص کردن خط فقر به کار برده شده است، استفاده از چارک اول هزینه‌ای برای خانوارهای هر کشور است. روش مذکور توجیه می‌نماید که اگر جامعه به چهار چارک هزینه‌ای تقسیم شود، پایین‌ترین چارک زیر خط فقر در نظر گرفته می‌شود. این شیوه در کشورهای توسعه یافته کاربرد زیادی یافته است. از آن‌جا که در این‌گونه کشورها تعداد خانوارهای زیر خط فقر مطلق (بر اساس معیارهای تغذیه) شدیداً کاهش یافته است، لذا کوشش

می‌شود علاوه بر رفع نیازهای اولیه انسان، گروه‌های پایین درآمدی (چارک اول) مورد حمایت قرار گیرند، بنابراین فقر نسبی مورد توجه جدی قرار گرفته است.

براساس روش مذکور در حدود ۷۰۰ هزار نفر از جمعیت ۳/۳ میلیون نفری شاغل در کشور هنگ‌کنگ زیر خط فقر نسبی قرار دارند. علی‌رغم این‌که کشور مذکور یکی از بالاترین درآمدهای سرانه را در کشورهای جهان دارا است، مع‌هذا خانوارهایی که درآمدی پایین‌تر از ۵ هزار دلار هنگ‌کنگ (معادل ۶۴۰ دلار آمریکا) در یک ماه داشته باشند، فقیر تلقی می‌شوند.^۱

در مطالعه دیگری ادعا شده که در سال ۱۹۹۸ بیش از ۴۴ میلیون نفر از جمعیت روسیه زیر خط فقر نسبی به‌سر می‌برند (۳۰ درصد کل جمعیت) و طبق آماری که از جانب دولت این کشور ارائه شده است، احتمال دارد بحران اقتصادی کشور عده بیشتری را به زیر خط فقر سوق دهد. براساس آمارهای منتشره از کمیته آمار دولتی در سال ۱۹۹۷ حدود ۳۱ میلیون نفر زیر خط فقر به‌سر برده‌اند.^۲

در مقاله‌ای دیگر^۳ از این روش برای تعیین خط فقر نسبی استفاده شده است. براساس نتایج این مقاله، در مناطق شهری و روستایی در سال ۱۳۷۷ به‌ترتیب ۱۸/۷ و ۲۱/۸ درصد زیر خط فقر نسبی بوده‌اند. در این مقاله یک اشکال اساسی وجود دارد و آن در نظر نگرفتن چولگی توزیع درآمد (هزینه) در ایران است. براساس آمارهای ارائه شده در این مقاله در ۱۵ سال گذشته همواره میانه از میانگین کوچک‌تر بوده است.

میانه مصرف خانوارها در واقع نشان‌دهنده حجمی از مصرف است که نیمی از خانوارها در زیر آن و نیمی دیگر در بالای آن قرار می‌گیرند. لذا هرچه میانه از میانگین کوچک‌تر باشد نشان‌دهنده تراکم بیشتر خانوارها در حجم‌های کوچک درآمد است.

باید یادآوری کرد که اگر در کشورهای توسعه یافته از چارک اول به‌عنوان نصف میانه برای تعیین خط فقر نسبی استفاده می‌شود، به‌دلیل توزیع تقریباً نرمال درآمد در کشورهای مذکور (در توزیع نرمال میانه و میانگین برهم منطبق‌اند) استفاده از چارک اول تشریحی در

1. Hong Kong, Voice of Democracy, 31 October 1998.

2. Team Tulsa, International New, Associated Press, 17 Oct. 1998.

۳۶ پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی

نتایج به دست آمده ایجاد نمی‌کند. ولی از آن‌جا که در کشور ما این توزیع به صورت نرمال نیست، بنابراین استفاده از نصف میانه، همه واقیعت موجود در جامعه را بازگو نخواهد کرد. لذا چون در توزیع نرمال، میانه و میانگین مساوی‌اند، بنابراین برای بررسی دقیق واقیعات جامعه باید به جای استفاده از نصف میانه، از نصف میانگین هزینه به منظور تعیین خط فقر نسبی استفاده کرد.

جدول شماره ۴: میانه و میانگین خانوار در مناطق شهری و روستایی

واحد: هزار ریال

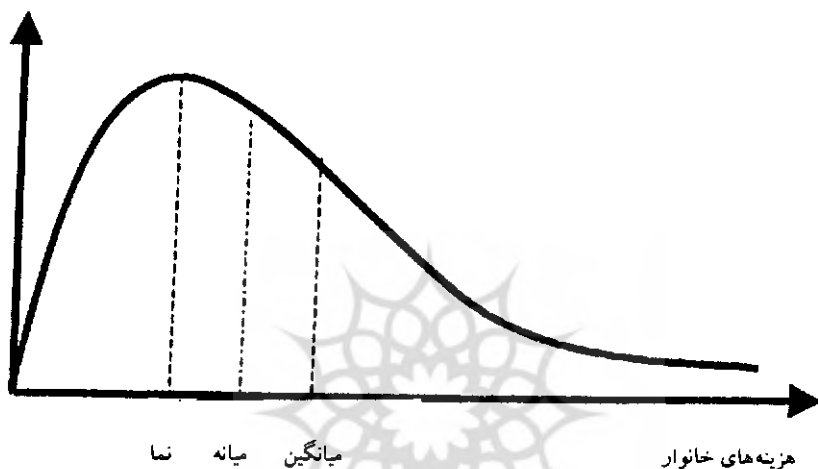
میانگین		میانه		عنوان
روستایی	شهری	روستایی	شهری	سال
۶۷۰/۷	۱۲۴۹۵	۵۱۶	۹۲۳	۱۳۶۳
۶۷۷/۶	۱۲۷۹/۹	۵۳۶	۸۸۰	۱۳۶۴
۷۶۱/۶	۱۳۱۴/۶	۵۴۴	۱۰۱۱	۱۳۶۵
۹۰۸/۴	۱۴۸۸/۸	۷۵۰	۱۰۹۳	۱۳۶۶
۱۰۵۸/۴	۱۸۰۰/۳	۸۳۶	۱۳۹۸	۱۳۶۷
۱۳۰۷/۲	۲۰۸۶/۱	۱۰۱۱	۱۶۵۲	۱۳۶۸
۱۶۲۷/۳	۲۲۹۳/۸	۱۱۹۱	۱۷۰۵	۱۳۶۹
۱۹۳۱/۳	۳۰۵۸/۷	۱۴۰۰	۲۳۱۳	۱۳۷۰
۲۳۰۹/۹	۳۷۹۵/۸	۱۷۶۲	۲۷۳۲	۱۳۷۱
۲۷۳۱/۵	۴۶۱۲/۷	۲۱۰۱	۳۴۷۲	۱۳۷۲
۳۸۹۰/۱	۶۲۴۲/۵	۲۹۹۳	۴۹۴۷	۱۳۷۳
۵۹۵۴/۱	۸۸۷۹/۶	۴۵۹۶	۶۹۷۵	۱۳۷۴
۶۹۸۶/۸	۱۱۰۶۰/۷	۵۴۶۵	۸۹۹۹	۱۳۷۵
۸۵۰۵	۱۳۳۴۵/۹	۶۶۳۵	۱۰۷۹۷	۱۳۷۶
۱۰۸۰۳/۸	۱۶۶۶۹/۶	۸۱۰۷	۱۳۳۶۲	۱۳۷۷

مأخذ: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، توسعه و شدت فقر، ۱۳۷۹، ص ۴۱.

براساس جدول شماره ۴ در ۱۵ سال گذشته توزیع هزینه‌ای در کشور به صورت چوله راست بوده است.

نمودار شماره ۱: چولگی توزیع هزینه خانوارها در کشور

تعداد خانوار



براساس نتایج منتشره از هزینه‌های خانوارهای شهری در سال ۱۳۷۷، متوسط هزینه‌های خوراکی خانوارهای شهری در کشور حدود ۵/۱۸ میلیون ریال و برای هزینه‌های غیرخوراکی ۱۱/۴۹ میلیون ریال بوده که در مجموع متوسط هزینه‌های کل سالانه خانوارهای شهری حدود ۱۶/۶۷ میلیون ریال شده است. اگر نصف رقم مذکور چارک اول هزینه‌ای تلقی شود، در این صورت چارک اول حدود ۸/۳۳۵ میلیون ریال خواهد بود.

در این وضعیت با توجه به این که دوگروه اول و دوم هزینه‌ای مناطق شهری در سال ۱۳۷۷ هزینه‌ای پایین‌تر از رقم مذکور داشته‌اند، لذا این دوگروه زیر خط فقر نسبی بوده‌اند. اکنون با توجه به تعداد خانوارهای آن‌ها (۷۸۷ و ۸۶۸) و متوسط بعد خانوار در دوگروه یاد شده (۳/۱۴ و ۴/۳۲) در حدود ۱۵/۹ درصد از افراد در مناطق شهری در سال ۱۳۷۷ زیر خط فقر نسبی به سر می‌برده‌اند که با پذیرش تعمیم نمونه به جامعه آماری کشور، در سال ۱۳۷۷ حدود ۶/۱۶ میلیون نفر در مناطق شهری زیر خط فقر نسبی بوده‌اند که برای رهایی آن‌ها از خط فقر به ترتیب به مبلغ ۲۲۷۴ و ۱۲۵۴ میلیارد نیاز بوده است (جمعیت کل مناطق شهری در سال

مذکور در حدود ۳۸/۷ میلیون نفر بوده است.) همچنین در مناطق روستایی متوسط هزینه‌های خوراکی خانوارها در سال ۱۳۷۷ حدود ۵/۱۳ و غیرخوراکی حدود ۵/۶۷ میلیون ریال و، در مجموع، متوسط هزینه‌های کل سالانه مناطق مذکور در حدود ۱۰/۸ میلیون ریال بوده است. اگر نصف رقم مذکور چارک اول در نظر گرفته شود، در این صورت چارک اول در حدود ۵/۴ میلیون ریال خواهد بود. در این وضعیت چهارگروه اول هزینه‌ای مناطق روستایی کشور در سال ۱۳۷۷ زیر رقم مذکور قرار می‌گیرند. حال با توجه به تعداد خانوار (۸۶۸، ۴۷۹، ۵۵۱ و ۷۳۱) و متوسط بعد خانوار (۲/۷۱، ۴/۰۳، ۴/۵۴ و ۴/۹۴) چهارگروه روستایی در سال ۱۳۷۷ زیر خط فقر نسبی به سر برده‌اند که با پذیرش تعمیم نمونه به جامعه آماری، در سال ۱۳۷۷ حدود ۴/۸۳ میلیون نفر در مناطق روستایی زیر خط فقر نسبی بوده‌اند که برای رهایی آن‌ها از خط فقر به ترتیب به مبالغی در حدود ۶۲۳، ۲۷۴، ۲۴۱ و ۱۴۹ میلیارد ریال نیاز بوده است. (جمعیت کل مناطق روستایی در سال مذکور در حدود ۲۳/۲ میلیون نفر بوده است.) بنابراین، براساس روش مذکور در سال ۱۳۷۷ در مناطق شهری و روستایی کشور حدود ۱۱ میلیون نفر زیر خط فقر بوده‌اند. برای ترسیم خط فقر به صورت یک دوره زمانی (سال‌های قبل از ۱۳۷۷) نیز با استفاده از همین روش خط فقر نسبی محاسبه شده است.

نتیجتاً این که در سال ۱۳۷۷ براساس فقر مطلق در حدود ۱۵/۹۶ میلیون نفر در کشور زیر خط فقر به سر برده‌اند که برای رهایی آن‌ها از زیر خط فقر بودن، علاوه بر پرداخت یارانه فعلی نیاز به بودجه‌ای در حدود ۶۸۶۶ میلیارد ریال بوده است. همچنین براساس خط فقر نسبی در حدود ۱۱ میلیون نفر زیر خط فقر نسبی بوده‌اند که برای رهایی آن‌ها نیاز به بودجه‌ای در حدود ۴۸۱۵ میلیارد ریال بوده است.

برخلاف کشورهای پیشرفته که خط فقر نسبی به مراتب بالاتر از خط فقر مطلق است، در کشورهای در حال توسعه از جمله کشور ما، میزان هزینه‌ای که خط فقر مطلق را ترسیم می‌نماید، بسیار بزرگ‌تر از میزان هزینه‌ای است که خط فقر نسبی را به دست می‌دهد. لذا به نظر می‌رسد که مشکل اصلی در کشور ما و دیگر کشورهای در حال توسعه فقر مطلق باشد. در واقع، کشور ما باید (برخلاف سیاست‌های اعمال شده کنونی در کشورهای پیشرفته) به دنبال راهکارهایی برای خروج از بن‌بست فقر مطلق باشد. لذا استفاده از روش‌های فعلی کشورهای

بررسی یارانه و خط فقر ۳۹

صنعتی برای حل بحران و خروج از بن‌بست فقر مطلق اختلالاتی ایجاد خواهد کرد که به‌نظر می‌رسد در کوتاه مدت فقر مطلق را در کشور شدیدتر کند. در ادامه بحث به بررسی حذف یارانه یا ادامه یارانه دوکالای اساسی پرداخته می‌شود.

جدول شماره ۵: خط فقر نسبی خانوارها براساس روش استفاده از میانگین آماری

ارقام: میلیون ریال، هزار نفر

عنوان	سال							
	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷
میانگین هزینه سالانه شهری	۳/۰۶	۳/۷۹	۴/۶۱	۶/۲۴	۸/۸۸	۱۱/۰۶	۱۳/۳۴	۱۶/۶۷
میانگین هزینه سالانه روستایی	۱/۹۳	۲/۳۱	۲/۷۳	۳/۸۹	۵/۹۵	۶/۹۹	۸/۵۰	۱۰/۸
خط فقر نسبی شهری سالانه	۱/۵۳	۱/۸۹	۲/۳۱	۳/۱۲	۴/۴۴	۵/۵۳	۶/۶۷	۸/۳۳۵
خط فقر نسبی روستایی سالانه	۰/۹۶۵	۱/۱۶	۱/۳۷	۱/۹۵	۲/۹۸	۳/۵۰	۴/۲۵	۵/۴
خط فقر ماهانه شهری	۰/۱۲۷	۰/۱۵۸	۰/۱۹۳	۰/۲۶۰	۰/۳۷۰	۰/۴۶۱	۰/۵۵۶	۰/۶۹۴۹
خط فقر ماهانه روستایی	۰/۰۸۰	۰/۰۹۷	۰/۱۱۵	۰/۱۶۲	۰/۲۴۸	۰/۲۹۱	۰/۳۵۴	۰/۴۵۰
تعداد افراد زیرخط فقر در شهر	۱۶/۹	۱۱	۴/۶	۱۳/۴	۱۹/۳	۱۲/۳۶	۱۲/۷	۶/۲۲
تعداد افراد زیرخط فقر در روستا	۱۹/۴	۱۳/۲	۵/۷	۸	۱۴/۱۷	۱۱/۰۵	۱۱/۶	۱۰/۴۰
تعداد کل افراد نمونه در شهر	۴۶/۸	۴۶/۱	۳۳/۱	۶۰/۲	۱۰۰/۸	۵۲/۶۹	۵۲/۱	۳۹/۱۱
تعداد کل افراد نمونه در روستا	۵۵/۱	۵۳/۷	۳۳/۱	۴۴/۱	۹۲/۸	۶۱/۰۹	۵۹/۶	۴۹/۹
درصد افراد زیرخط فقر در شهر	۳۶/۱	۲۳/۹	۱۳/۷	۲۲/۳	۱۹/۱	۲۳/۴۵	۲۴/۳	۱۵/۹۱
درصد افراد زیرخط فقر در روستا	۳۵/۲	۳۴/۷	۱۷/۲	۱۸/۲	۱۵/۳	۱۸/۱	۱۹/۴	۲۰/۸۲

مأخذ: دوسط اول از هزینه، درآمد خانوارهای شهری و روستایی، مرکز آمار ایران در سال‌های مختلف است.

الف) نان

به‌نظر می‌رسد که این کالا از اساسی‌ترین کالاهای مصرفی خانوارهای مناطق شهری در کشور باشد. براین اساس، دولت با دخالت در بازار این کالا، انحصار آن را در اختیار گرفته است. بدین ترتیب، دولت توزیع نان با قیمت پایین را یکی از مهم‌ترین سیاست‌های خود در زمینه پرداخت یارانه تلقی می‌کند. حجم پرداختی یارانه به نان نیز گویای این مطلب است.

جدول شماره ۶: میزان و درصد یارانه پرداختی به گندم در چهار سال ۱۳۷۴-۱۳۷۷

ارقام: میلیارد ریال

عنوان	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷
یارانه گندم	۲۸۸۱	۳۶۰۹	۳۳۹۰	۴۴۴۷/۵
یارانه کل	۴۸۹۵	۵۶۰۶	۵۰۸۵	۵۸۰۶/۱
درصد یارانه گندم از کل	۵۸/۹	۶۴/۴	۶۶/۷	۷۶/۶

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه ریزی، «برنامه مبارزه با فقر»، معاونت امور اجتماعی، ۱۳۷۹.

بر اساس جدول شماره ۶ ملاحظه می‌شود که درصد یارانه پرداختی به نان در چهار سال یاد شده در حدود ۱۷ درصد افزایش یافته است. شواهد امر حاکی از این مطلب است که این روند برای سال‌های آینده نیز ادامه خواهد یافت. اکنون این سؤال مطرح است که آیا می‌توان یارانه نان را حذف و قیمت این کالا را به مکانیزم بازار سپرد. برای بررسی این سؤال با توجه به مشخص شدن سهم نان در تأمین پروتئین و کالری گروه‌های پایین درآمدی در اول مقاله، در این جا به بررسی سهم نان در هزینه‌های خوراکی و هزینه‌های کل گروه‌های مختلف هزینه‌ای و همچنین کشش قیمتی و درآمدی برای این کالا پرداخته می‌شود.

جدول شماره ۷: هزینه انواع نان در گروه‌های مختلف هزینه در سال ۱۳۷۶

ارقام: میلیون ریال

عنوان	گروه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
هزینه انواع نان		۰/۱۲	۰/۱۶	۰/۱۸	۰/۱۹	۰/۱۹۵	۰/۲۲	۰/۱۹۵	۰/۲۰	۰/۲۳	۰/۲۰
هزینه خوراکی		۱/۵۰	۲/۳۵	۲/۹۶	۳/۵۸	۴/۵۱	۵/۳۸	۵/۹۴	۷/۰۵	۸/۳۱	۹/۸۲
کل هزینه خوراکی و غیرخوراکی		۲/۸۵	۶/۱۳	۸/۰۷	۱۰/۴۳	۱۳/۹۹	۱۷/۹۱	۲۱/۵۹	۲۶/۸۹	۳۵/۷۱	۴۶/۷۴
درصد انواع نان به خوراکی	۸	۶/۸۱	۶/۰۸	۵/۳۱	۴/۲۴	۳/۰۹	۳/۲۸	۲/۸۴	۲/۷۷	۲/۰۴	
درصد انواع نان به کل		۴/۳۳	۲/۶۳	۲/۲۳	۱/۸۳	۱/۴۰	۱/۲۳	۰/۹۱	۰/۷۴	۰/۶۴	۰/۳۰

مأخذ: مرکز آمار ایران «هزینه درآمد خانوار مناطق شهری کشور در سال ۱۳۷۶».

ذکر چند نکته در خصوص جدول شماره ۷ ضروری است:

۱. بیشتر بودن هزینه انواع نان در گروه‌های بالای هزینه‌ای به لحاظ استفاده آنان از انواع دیگر نان، نظیر نان فانتزی که غالباً از نظر قیمت نیز گران‌تر است.

۲. همان‌گونه که در جدول ملاحظه می‌شود، سهم انواع نان در هزینه‌های خوراکی و همچنین در کل هزینه‌ها در گروه‌های پایین هزینه‌ای به مراتب بیشتر از گروه‌های بالای هزینه‌ای است. اگر این امکان وجود داشت که میزان هزینه‌های مصرفی برای نان‌های غیر سستی در گروه‌های بالای هزینه‌ای را از انواع نان حذف کرد، سهم این گروه‌ها به مراتب پایین‌تر از رقم کنونی می‌بود.

۳. گروه‌های پایین هزینه‌ای در شرایطی که مشکلات اقتصادی شدت کمتری دارد، با ایجاد تغییر در الگوی مصرف خود برنج را جانشین نان می‌کنند و چنانچه مشکلات اقتصادی کشور شدت یابد این روند معکوس می‌گردد. در این مرحله به برآورد تقاضاهای نان و شیر پرداخته می‌شود.

روش بررسی به صورت سری زمانی با استفاده از تکنیک‌های همجبری^۱ است و از این طریق سعی می‌شود روابط ساختار بلندمدت متغیرها مورد بررسی قرار گیرد. در آغاز سری‌های زمانی مورد استفاده در برآورد تابع تقاضا تحت آزمون ایستایی قرار گرفته تا مشخص شود که آیا میانگین، واریانس و ضرایب خود همبستگی سری‌های مذکور در طول زمان ثابت است یا خیر؟ زیرا در صورت عدم ثبات در پارامترهای مذکور هرگونه بررسی اقتصادسنجی با استفاده از تکنیک‌های سستی حداقل مربعات، تخمین‌هایی اریب و ناکارا به دست می‌دهند. در چنین حالت‌هایی آزمون‌های I استیودنت و F نیز بی‌اعتبار خواهند بود. براین اساس، آزمون ریشه واحد برای متغیرهای به کار گرفته شده در برآورد انجام می‌شود. قبل از انجام آزمون ریشه واحد چند نکته یادآوری می‌شود:

۱. اطلاعات مورد استفاده در برآورد توابع تقاضا از ۱۳۵۴ تا ۱۳۷۶ را دربر می‌گیرد.
۲. از آن‌جا که در سال ۱۳۶۰ آمارگیری از هزینه درآمد خانوارهای شهری توسط مرکز آمار ایران انجام نشده است، لذا اطلاعات سال مذکور براساس متوسط دو سال ۱۳۵۹ و

۱۳۶۱ لحاظ شده است.

۳. هزینه‌های انجام شده برای انواع نان پس از تعدیل نرخ تورم قیمت مصرف‌کننده بر شاخص قیمت انواع نان نیز تقسیم شده است تا میزان مصرف انواع نان به دست آید. بر اساس آزمون‌های ریشه واحد مقدار تقاضا بدون وقفه درجه گرایش آن از نوع (۱) I ، شاخص قیمت با دو وقفه از نوع (۰) I ، هزینه کل خانوارها (به جای درآمد) بدون وقفه از نوع (۱) I و تعداد افراد خانوار با یک وقفه از نوع (۰) I است. به عبارت دیگر، دومتغیر مستقل ایستا و یک متغیر غیر ایستا هستند. همچنین، متغیر وابسته نیز غیر ایستا است.

در چنین مواقعی می‌توان با استفاده از تغییرات متغیر وابسته به روش حداقل مربعات معمولی به برآورد پرداخت، مع‌هذا از آن‌جا که ضریب به دست آمده در برآورد اثر متغیرهای مستقل را بر تغییرات متغیر وابسته نشان خواهد داد، لذا برای رفع این مشکل از روش همجمعی استفاده می‌شود. این روش از شیوه‌ای سود می‌جوید که در آن اثر متغیرهای مستقل را بر سطح متغیر وابسته در بلندمدت نشان می‌دهد.

نتایج برآورد همجمعی برای تابع تقاضای نان را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$LQB = -0.2/124 - 0.1381 LP_B + 0.1629 Ly + 0.3617 H - 0.0872 T$$

$$(- 0.017) \quad (0.25) \quad (0.46) \quad (- 0.001) \quad n = 1354-76$$

که در آن

LQB = لگاریتم متوسط تقاضای انواع نان خانوارهای مناطق شهری کشور به قیمت ثابت

۱۳۶۹.

LP_B = لگاریتم شاخص قیمت انواع نان در مناطق شهری کشور به قیمت ثابت ۱۳۶۹.

Ly = لگاریتم متوسط مجموع هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی خانوارهای مناطق

شهری کشور به قیمت ثابت ۱۳۶۹.

H = متوسط تعداد افراد خانوار در مناطق شهری.

T = متغیر روند.

همچنین، اعداد داخل پرانتز انحراف معیار ضرایب است.

بررسی یارانه و خط فقر ۴۳

براساس این برآورد، روابط بلندمدت بین قیمت، درآمد و تعداد افراد خانوار با میزان تقاضا بدین صورت است که در صورت یک درصد افزایش قیمت، تقاضای انواع نان کمتر از یک درصد کاهش خواهد یافت. همچنین، افزایش یک درصد در درآمد، میزان تقاضا را کمتر از یک درصد افزایش خواهد داد. به عبارت دیگر، روابط بلندمدت نشان‌دهنده این مطلب است که در ۲۳ سال گذشته به طور متوسط کشش قیمتی و درآمدی تقاضای انواع نان برای خانوارهای مناطق شهری کوچک‌تر از یک بوده و این کالا در زمره کالاهای اساسی تلقی می‌شود. همچنین، اضافه شدن یک فرد به خانوار به طور متوسط موجبات افزایش ۳۷ صدم درصد در تقاضای انواع نان برای یک خانوار خواهد شد.

شیر

این کالا نیز یکی از کالاهایی است که در سالیان گذشته به آن یارانه تعلق گرفته است. میزان پرداختی یارانه به این کالا در جدول شماره ۸ حکایت از این امر دارد که درصد یارانه آن به کل یارانه در حال افزایش بوده است. (کاهش درصد شیر در ۱۳۷۷ میزان مصوب آن است که ممکن است درصد یارانه پرداختی عملاً بالاتر از آن باشد.) به هر حال، در سه سال ۱۳۷۴-۷۶ درصد یارانه شیر نسبت به کل یارانه در حدود ۱/۲ درصد افزایش یافته است.

جدول شماره ۸: میزان و درصد یارانه پرداختی به شیر در چهار سال ۱۳۷۴-۱۳۷۷

ارقام: میلیارد ریال

عنوان	سال			
شیر	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷
درصد	۲/۷۶	۳/۶۷	۵	۴/۸۹

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه ریزی، «برنامه مبارزه با فقر»، معاونت امور اجتماعی، ۱۳۷۹.

بررسی سهم انواع شیر و فرآورده‌های آن در گروه‌های مختلف هزینه‌ای حکایت از بالا بودن آن دارد. همچنین، سهم شیر از کل، در گروه‌های پایین هزینه‌ای مانند گروه اول در حدود چهار برابر گروه دهم هزینه‌ای است که این موضوع حکایت از مهم بودن این کالا برای

گروه‌های پایین هزینه‌ای دارد. ضمن این‌که باید یادآوری کرد که قاعدتاً گروه‌های پایین هزینه‌ای عمده مصرف از این کالا را به صورت یارانه‌ای تأمین می‌کنند و گروه‌های بالای هزینه‌ای عمده مصرف خود از این کالا را از بازار آزاد تهیه می‌کنند. زیرا هزینه دستیابی به شیر یارانه‌ای به علت هزینه صف (از دست دادن زمان) بالا بوده و ملاحظه می‌شود که برخی از اقشار ساعت‌ها در انتظار دریافت شیر صف می‌کشند. لذا اگر این مطلب نیز مدنظر قرار گیرد سهم گروه‌های پایین از ۴ برابر هم بیشتر خواهد بود.

جدول شماره ۹: هزینه شیر و فرآورده در گروه‌های مختلف هزینه در سال ۱۳۷۶

ارقام: هزار ریال

عنوان	سال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
شیر و انواع فرآورده		۱۳۶	۲۱۰	۲۶۱	۳۱۲	۳۸۹	۴۸۰	۵۲۵	۵۷۳	۶۹۵	۸۱۵
درصد به هزینه‌های خوراکی		۹/۰۶	۸/۹۲	۸/۸۰	۸/۷۱	۸/۶۲	۸/۹۲	۸/۸۳	۸/۱۳	۸/۳۶	۸/۳۰
درصد به کل		۴/۷۷	۳/۳۴	۳/۲۴	۲/۹۹	۲/۷۸	۲/۶۸	۲/۴۳	۲/۱۳	۱/۹۵	۱/۲۲

مأخذ: مرکز آمار ایران، هزینه درآمد خانوارهای مناطق شهری سال ۱۳۷۶.

برای این کالا نیز همانند نان در وهله اول آزمون ریشه واحد انجام می‌شود. آزمون ریشه واحد برای مجموع متوسط هزینه خانوارها نیز در برآورد کالای نان انجام شده بود. براساس آزمون‌های پیشین تقاضای شیر و انواع فرآورده با یک وقفه زمانی از نوع (۱) I و شاخص قیمت آن بدون وقفه زمانی از نوع (۱) I است. در این شرایط با استفاده از بردار همجمعی روابط بلندمدت بین آن‌ها به دست می‌آید.

$$LQ_D = -0/9498 LP_D + 0/6801 LY$$

$$(0/039) \quad (0/011) \quad n = 1354 - 1376$$

که در آن

LQ_D : لگاریتم متوسط تقاضای شیر و انواع فرآورده خانوارهای متوسط مناطق شهری

کشور به قیمت ثابت ۱۳۶۹.

LPD: لگاریتم شاخص قیمت شیر و انواع فرآورده در مناطق شهری به قیمت ثابت

۱۳۶۹.

LY: لگاریتم متوسط مجموع هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی خانوارهای متوسط در

مناطق شهری کشور به قیمت ثابت ۱۳۶۹.

همچنین اعداد داخل پرانتز انحراف معیار ضرایب است.

بر اساس بُردار همجمعی، کشش قیمتی و درآمدی برای این کالا نیز کوچک‌تر از یک

است. به عبارت دیگر، حکایت از اساسی بودن این کالا در بلندمدت برای متوسط گروه‌های

مختلف هزینه‌ای دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پس از پایان یافتن جنگ در سال ۱۳۶۷ تا کنون مسائل مختلفی در کشور مطرح شده که از جمله آن ضرورت تحرک بخشی به فعالیت‌های مختلف تولیدی به منظور کارایی بیشتر در بخش‌های اقتصادی است. لذا با شروع برنامه اول توسعه اقتصادی در سال ۱۳۶۸ سیاست‌های جدیدی تحت عنوان سیاست‌های تعدیل اقتصادی به اجرا درآمد، کاهش تدریجی یارانه یکی از اهداف این سیاست عنوان شد. باید یادآوری کرد که به طور معمول توجه خاص سیاست‌های تعدیل اقتصادی به کارایی اقتصادی و تخصیص بهینه منابع است. لذا اگر به سیاست تعدیل اقتصادی به عنوان یک امر مطلق نگریسته شود و مواردی از جمله اهداف توزیعی مدنظر قرار نگیرد، این امکان وجود خواهد داشت که بسیاری از اهداف برنامه‌های تعدیل اقتصادی را در اجرا دچار مشکلات جدی کند. به عبارت دیگر، از آن‌جا که اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی با افزایش قیمت کالاها و خدمات همراه است، لذا اقشار وسیعی از جامعه را برای تأمین مایحتاج زندگی خود دچار مشکل می‌کند و در نتیجه سیاست‌گذار را در ادامه برنامه‌ها، به دلیل عدم تمایل به همکاری اقشار مذکور با برنامه‌های به اجرا درآمده عقیم می‌گذارد.

در شرایط کنونی برخی پیشنهادها نشان‌گر این موضوع است که به لحاظ استفاده خانواده‌های مرفه جامعه از برخی یارانه‌ها، کمک‌های مذکور حذف گردیده و به جای آن به اقشار آسیب‌پذیر پرداخت نقدی صورت پذیرفته است.

باید اذعان داشت که ممکن است در برخی از کالاها و خدمات، نظیر مصرف انرژی، طبقات بالای درآمدی از یارانه بیشتری استفاده کنند؛ ولی این امر در زمینه کالاهایی نظیر نان و شیر صدق نمی‌کند. همچنین، خط فقر مطلق در کشور آن‌چنان عمیق شده است که در وضعیت کنونی با حذف یارانه کالاهای اساسی و پرداخت کامل یارانه آن به خانوارهای زیر خط فقر نمی‌توان آن‌ها را به بالای خط فقر منتقل کرد. نتیجتاً این‌که برای رهایی ۱۵/۹۶ میلیون نفر از زیر خط فقر به بالای آن (مرز آن) به مبلغی در حدود ۶۸۶۶ میلیارد ریال نیاز است، درحالی‌که یارانه کالاهای اساسی در سال ۱۳۷۷ مبلغی در حدود ۵۸۰۶ میلیارد ریال بوده است.^۱

لذا اگر دولت مبلغ کل یارانه مربوط به کالاهای اساسی را حذف و به اقشار مذکور اعطا کند، باز هم قادر نخواهد بود همه آن‌ها را به بالای خط فقر برساند، چون مبلغی در حدود ۱۰۶۰ میلیارد ریال کسری خواهد داشت. این مطلب نیز باید یادآوری شود که با حذف یارانه، از آن‌جا که قیمت کالاهای اساسی افزایش خواهد یافت و به دلیل پایین بودن کشت قیمتی کالاهای مذکور، خانوارهای گروه پایین هزینه‌ای در مصرف آن کالا (خصوصاً ضروری‌ترین آن‌ها)، اقدام به کاهش جدی در مصرف خود نخواهند کرد، بنابراین هزینه‌های آن کالا برای خانوار افزایش خواهد یافت و به ناچار از مصرف کالاهای دیگر خود خواهد کاست. نتیجه این‌که بسیاری از خانوارهای بالای خط فقر نیز به زیر خط فقر رانده خواهند شد.

با توجه به همه معیارهای مورد نظر ملاحظه می‌شود که نان مهم‌ترین کالا در پنج کالای اساسی یارانه‌ای است. لذا حذف یا حتی کاهش یارانه پرداختی به آن ضربات جبران‌ناپذیری را به خانوارهای پایین هزینه‌ای و خصوصاً گروه اول و دوم وارد خواهد ساخت. ذکر این نکته ضروری است که وجود هزینه‌ی صاف در تهیه نان، برخی از گروه‌های بالای هزینه‌ای را از مصرف نان سستی‌منصرف می‌کند.

در مورد شیر نیز، از آن‌جا که این کالا درصد بالایی از سهم هزینه‌های خوراکی و کل گروه‌های پایین هزینه‌ای را به خود اختصاص می‌دهد و از نظر تأمین پروتئین نیز حائز اهمیت و از نظر کشت قیمتی و درآمدی کوچک‌تر از یک است، و با توجه به هزینه‌ی صاف برای

به دست آوردن شیر یارانه‌ای، حذف یارانه این کالا نیز توصیه نمی‌شود. در زمینه نان نیز، از آن‌جا که حذف یارانه نان موجبات افزایش دامنه خط فقر را فراهم می‌آورد، برای جلوگیری از افزایش بی‌رویه، یارانه نان در سال‌های آینده، پیشنهاد می‌شود که نه تنها از دادن مجوز برای ایجاد نانوايي‌های سنتی در مناطق مرفه‌نشین شهرهای کشور خودداری شود بلکه در یک برنامه می‌توان از تعداد آن‌ها در مناطق مذکور به شدت کاست و به جای آن مجوز برای تولید نان‌های صنعتی که از یارانه کمتری استفاده می‌کنند، صادر کرد.

پیوست

آزمون ریشه واحد برای تغییرات لگاریتم تقاضای انواع نان به قیمت‌های ثابت ۱۳۶۹

ADF test statistic	-۳/۲۵	%۱	-۳/۷۸
		%۵	-۳/۰۱
		%۱۰	-۲/۶۵

آزمون ریشه واحد برای لگاریتم شاخص قیمت انواع نان

به قیمت‌های ثابت ۱۳۶۹

ADF test statistic	۳/۰۵	%۱	-۳/۸۰
		%۵	-۳/۰۱
		%۱۰	-۲/۶۵

آزمون ریشه واحد برای تغییرات لگاریتم هزینه کل خانوارها به قیمت ثابت ۱۳۶۹

ADF test statistic	-۳/۳۲	%۱	-۳/۷۸
		%۵	-۳/۰۱
		%۱۰	-۲/۶۵

آزمون ریشه واحد برای تعداد افراد خانوار

ADF test statistic	-۴/۰۷	%۱	-۳/۷۸
		%۵	-۳/۰۱
		%۱۰	-۲/۶۵

بردار همجمله برای متغیرهای تقاضا برای انواع نان

Normalized cointegrating coefficients: 1 cointegrating equation(S)

LQB	LP _B	Ly	H	@TREND(55)	C
۱	-۰/۶۳۸۱	۰/۶۴۳۹	۰/۳۶۱۷	-۰/۰۸۷۲	۲/۶۲۴
	(-۰/۰۱۷)	(۰/۰۲۵)	(۰/۰۴۶)	(-۰/۰۰۱)	
Log Likelihood		۱۶۵/۸۳			

آزمون ریشه واحد برای تغییرات لگاریتم تقاضای شیر و فرآورده به قیمت ثابت ۱۳۶۹

ADF test statistic	-۳/۵۵	%۱	-۳/۸
		%۵	-۳/۰۱
		%۱۰	-۲/۶۵

آزمون ریشه واحد برای تغییرات لگاریتم شاخص قیمت شیر و فرآورده به قیمت

ثابت ۱۳۶۹

ADF test statistic	-۴/۰۷	%۱	-۳/۷۸
		%۵	-۳/۰۱
		%۱۰	-۲/۶۵

بردار همجسمی برای متغیرهای تقاضا برای شیر و فرآورده

Normalized cointegrating coefficients: 1 cointegrating equation(S)

LQD	LPD	LY
۱	-۰/۹۳۹۸	۰/۶۸۰۱
	(-۰/۰۳۹)	(۰/۰۱۱)
Log Likelihood	۷۱/۴۲	

مآخذ

الف) فارسی

- پژویان، جمشید، شناسایی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، تهران، معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۳.
- توکلی، احمد، تحلیل سری‌های زمانی همگرایی و همگرایی یکسان، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۶.
- دینی ترکمانی، علی، بررسی وضعیت فقر مطلق و آثار حذف یارانه برآن، تهران، معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی واحد تهران، ۱۳۷۶.
- مرکز آمار ایران، هزینه - درآمد خانوارهای شهری در سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۵۴.
- مرکز آمار ایران، هزینه - درآمد خانوارهای روستایی در سال‌های مختلف.
- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری در سال‌های ۷۶-۱۳۵۴.
- نورفستی، محمد، ریشه واحد و همجمنی در اقتصادسنجی، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۶.
- اسلامی، سیف‌الله، «بررسی چگونگی بهبود توزیع یارانه‌های پرداختی در کشور در راستای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر» تهران، معاونت امور اقتصادی، مرداد ۱۳۷۹ (منتشر نشده).
- مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، «وسعت و شدت فقر»، ۱۳۷۹.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، «برنامه مبارزه با فقر»، معاونت امور اجتماعی، ۱۳۷۹.

ب) انگلیسی

World Bank, The World Development Indicators 1998, CD-Rom Win*Stars Version 4.01, Copyright 1998 International Bank for Reconstruction and Development.

Chossudovsky, Michel, *Globalisation of Poverty, Impacts of IMF and World Bank Reforms*, London: Zed Bank, 1997.

Hongkong Voice of Democracy, "100000 HK People Below Poverty Line", 31 October 1998.

Tulsa Team, International News, *Associated Press*, 17 Oct. 1998.